

بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی

در قرآن و روایات

زینب گلاب بخش^۱

چکیده:

ارتباطات میان فردی، از جمله گسترده‌ترین ارتباطات انسانی است و در این بین، آنچه از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده و مورد تحقیق در این مقاله قرار گرفته است؛ عناصر پایداری ارتباطات میان فردی است که با توجه به آموزه‌های اصیل اسلامی، در قرآن و روایات بررسی شده است. روش تحقیق ما در این نوشتار، توصیفی تحلیلی بوده و از بین حجم گسترده روایات معصومین: پیرامون نحوه ارتباطات انسانی، عناصر پایداری بیان شده است. گزینش دوست، آزمایش دوست، ادای حقوق متقابل، اهل حلم و صبر، کنترل کلام، رعایت انصاف، سودمند و مفید بودن، حفظ و رعایت حریم، محبت قلبی، اعلام محبت، درک محبت، اهل احسان بودن، حسن خلق، گذشت از لغزش‌ها، پوشاندن عیب، عذرتراشی و پذیرفتن عذر، حسن ظن عناصری است که از دل روایات و آیات، استخراج شده است. این عناصر، به صورت نظام‌مند و در کنار یکدیگر، زمانی تضمین کننده پایداری ارتباطات میان فردی است که حلقه اتصال با عنصر اصلی و باقی، - خدا- حفظ شود.

کلیدواژه: ارتباط میان فردی، عناصر پایداری ارتباط، ارتباط، میان فردی، پایداری ارتباط

کارشناس ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع)^۱

مقدمه:

از ارکان مهم و بی بدیل و مبنای شکل گیری یک نظام اجتماعی، حضور اقشار مختلف مردم و پیوند و ارتباط میان این افراد است. همچنانکه در یک نظام سیستماتیک، اجزاء آن نظام هر کدام به نوبه خود دارای نقشی هستند و همه یک هدف را دنبال می کنند، این اجزاء، همواره و به طور مستمر با یکدیگر در تعامل هستند و پیوند و ارتباط دائمی میان این اجزاء، از ضروری ترین مسئله برای حفظ و بقاء آن نظام است. جامعه انسانی نیز از این امر مستثنی نبوده و به عنوان نظامی اجتماعی، میان اجزاء آن ارتباط و پیوند وجود دارد. اما یک جامعه انسانی، تفاوتی اساسی با یک نظام و سیستم غیر انسانی دارد و آن، اختیار انسانها در برقراری، حفظ و تداوم و یا حذف و قطع پیوند و ارتباط با افراد دیگر جامعه است. ایجاد یک نظام اجتماعی، مستلزم این امر است که ارتباط میان انسانها به صورت دائمی و پایدار باقی بماند. چنانچه در آموزه های اسلامی نیز، بر ارتباط دائم میان انسان ها و مؤمنین، تاکید بیشتری نسبت به ایجاد ارتباطات جدید شده است. تاکید یافته های امروزی بر تداوم ارتباط و بیان این تداوم توسط اسلام در قرن ها قبل، همه دلالت بر اهمیت و ضرورت و تمایل فطری و ذاتی انسان به داشتن ارتباطاتی پایدار و دائم است.

دین مبین اسلام، به عنوان دین کامل و جهان شمول بیانگر عناصر و مولفه هایی برای حفظ و دوام بخشیدن به ارتباطات انسان ها دارد و بدیهی است آگاهی یافتن از این عناصر، مستلزم پژوهشی است که همه ساحت های ارتباطی انسان را شامل شود و مبتنی بر آموزه های دین اسلام باشد.

در آموزه های دین مبین اسلام، ارتباط میان انسانها در دو سوم معارف اسلامی - اخلاق و احکام - به صورت گسترده بیان شده است و دینداری کامل بدون تکمیل و تحقق بخشیدن صحیح ارتباط اجتماعی، میسر نیست. از طرفی، بخشی از کارکردهای مهم دین که امروزه بر آن تاکید می شود، وابسته به ارتباط میان فردی و حاصل آن است. مانند صلح و رحمت، تعاون در امور، حفظ نظام اجتماعی، رفع ظلم و بی عدالتی در کشورها و بیداری اسلامی و همبستگی میان مسلمانان. همچنین ارتباطات میان فردی پایه و اساس ایجاد نظام اجتماعی اسلامی و حفظ و بقاء آن، باعث حفظ و بقاء جامعه اسلامی است. از این رو، بر آن شدم تا با بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی در قرآن و روایات، گامی کوچک اما مهم در راستای روشن تر شدن و کاربردی تر شدن آموزه های عمیق اسلام در نسل امروز، بردارم.

ابتدا لازم است به بیان مفاهیم کلیدی موضوع مقاله اشاره شده و سپس به عناصر پایداری از منظر قرآن و روایات، پرداخته شود.

تعریف عناصر:

عناصر در لغت از «عُنصر» گرفته شده، به معنای « اصل و نسب، مواد و ارکان » است.^۱ در کتب لغت، از عناصر به مواد تشکیل دهنده نام برده اند. مانند اینکه عالم هستی از عناصر چهارگانه آب و خاک و هوا و آتش تشکیل شده است.

تعریف پایدار:

پایدار در کتب لغت به معنای « پاینده، جاویدان، برقرار، استوار، ثابت، بادوام » ذکر شده است^۲ که محوریت تمام این معانی بر بقا و دوام می‌باشد.

لفظ پایداری که مد نظر ماست، در روایات با الفاظی چون « بقاء، اَبقی، تَدوم » و مشتقاتی از این قبیل آمده است. واژه « بقی » که معادل لفظ پایدار در فرهنگ لغت عرب هست، به معنای ثبات چیزی بر حالت اولیه اش آمده و مخالف فنا و نابودی بیان شده است: « البقا: ثبات الشی علی حالته الأولى و هو یضاد الفناء »^۳ در این نوشته، عناصر پایداری، به مؤلفه و ارکانی گفته می‌شود که دوام و بقاء را به دنبال خود دارد. به عبارت دیگر، ارکانی که باعث پایداری و دوام یک ارتباط میان فردی می‌شود را بیان می‌کند.

تعریف ارتباط:

ارتباط از جمله واژگانی است که بین دانشمندان علم ارتباطات، دارای تعاریف گوناگونی است و از اهمیت بالایی برخوردار است و طبق این تعاریف، مدل‌های گوناگونی نیز برای ارتباطات بیان شده است. آنچه حائز اهمیت است، وجود دو طرف ارتباط می‌باشد. بدین معنا که ارتباط و تعریف واژه ارتباط بدون داشتن دو طرف ارتباط‌گر، امکان پذیر نمی‌باشد. به بیان دیگر، حداقل واحد ارتباطی، ارتباط میان فردی است.

واژه ارتباط از نظر لغوی، واژه‌ای است عربی از باب افتعال، به معنای « پیوند دادن، ربط دادن و رابطه »^۴ استعمال می‌شود. اما در اصطلاح، آنچه تناسب بیشتری با مفهوم مد نظر ما دارد این است که: « ارتباط فرآیندی پویا و پیوسته، مبتنی بر همگرایی و اعتمادی متقابل است که در آن با استفاده از گفتار، نوشتار، علائم و رفتار، فکر، پیام یا اطلاعات مبادله می‌شوند. »^۵

تعریف ارتباط میان فردی:

در کتب ارتباطی، خصوصاً مبانی ارتباطات، ارتباط را به انواع مختلفی چون: خصوصی، جمعی، نوشتاری، ملی و فراملی، کلامی و غیر کلامی، انسانی و غیر انسانی، سازمانی و غیر سازمانی و نمادین و ... تقسیم می‌کنند. اما به نحو کلی ارتباط را می‌توان به دو نوع انسانی و غیر انسانی تقسیم کرد و مراد ما در این نوشتار، ارتباطات انسانی است که دو طرف ارتباط، فرد و انسان مختار و عاقل، قرار دارند. این ارتباطات انسانی، در سه سطح درون فردی، میان فردی و جمعی قابل تقسیم هستند.

«ارتباط درون فردی یا همان ارتباط با خود، به فعالیت هایی مانند پرورش افکار، تصمیم گیری، گوش دادن، خود نگری و ... گفته می شود. ارتباط میان فردی، به ارتباط و مراودات بین دو فرد اطلاق می شود. این نوع ارتباط شامل گفتگو، مصاحبت و مذاکره گروهی و ... می شود. در ارتباط جمعی، فرد پیامی را به جمعی از مخاطبان می فرستد. این نوع ارتباط ممکن است مستقیم، نظیر ارتباط چهره به چهره که طی آن پیامی از گوینده به شنوندگان منتقل می شود یا مانند پیامی که توسط ابزارهایی مانند رادیو و تلویزیون، پخش می شود، غیر مستقیم باشد.»^۶

بدین ترتیب ارتباط میان فردی را اینگونه تعریف می کنیم:

فرآیندی پویا و پیوسته، مبتنی بر همگرایی و اعتمادی متقابل بین دو فرد است که در آن با استفاده از گفتار، نوشتار، علائم و رفتار، فکر، پیام و یا اطلاعات، مبادله می شوند.

این تعریف دارای ویژگی های زیر است:

۱. ارتباط یک فرآیند است.

«برای برقراری ارتباط باید حداقل دو نفر در سلسله رویدادهایی مستمر و پویا درگیر شوند که طی آن، هر یک از آنها تحت لوای نظام تعیین کنندگی متقابل بر یکدیگر تاثیر می گذارند و از یکدیگر تاثیر می پذیرند. این دو نفر به طور همزمان یکدیگر را در چنین بافتی، ادراک و ملاحظه را معنا کرده و بر اساس همین ادراکات و معانی در مورد نحوه واکنش و پاسخ خود تصمیم گیری می کنند»^۷.

۲. ارتباط یک تبادل است

علی رغم نظر برخی نظریه پردازان قدیمی چون کلود شانون و وارن ویوور^۸ که ارتباط را فرآیندی خطی می دانستند که طی آن، منبع، پیام را فرمول بندی و به گیرنده منتقل می کرد، نظریه پردازان دیگر چون مایرز و مایرز، به ماهیت پویا و متغیر فرآیند ارتباط توجه داشته و بر تاثیر و تأثیر ارتباط برقرارکنندگان بر یکدیگر در یک سیستم دو سویه تاکید دارند. این تاثیر و تأثیر بین افراد، همان تبادلی است که ارتباط، در بردارنده آن می باشد. چنانچه یکی از طرفین ارتباط، داخل این سیستم دوسویه ارتباطی نشود، ارتباط به معنای واقعی خود شکل نگرفته است. این دیدگاه، به دیدگاه تعاملی یا تبادلی نیز معروف است.

۳. ارتباط هدفمند است

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در تعریف اصلاحی ارتباط میان فردی بیان شد، هدفمندی ارتباط است. «طرفین ارتباط هدف‌هایی دارند. آن‌ها می‌خواهند از ارتباط خود نتیجه‌ای مطلوب بگیرند. همین هدفمندی است که نیروی محرکه‌ی ارتباط را افزایش می‌دهد و تبادل مورد نظر را جهت دار می‌کند.»^۹

با توجه به تعاریف فوق، منظور ما از عناصر پایداری میان فردی در قرآن و روایات، عبارت است از: ارکان و عناصری که در کلام الهی، پیامبر ۹ و اهل بیت: ، با هدف بیان دوام و بقا و پایداری ارتباط میان فردی، یعنی فرآیند تبادلی پویا و پیوسته مبتنی بر همگرایی و اعتماد متقابل بین افراد که با استفاده از گفتار، نوشتار، علائم، رفتار، فکر، پیام یا اطلاعات صورت می‌گیرد، صادر شده است.

شایان ذکر است که منظور ما از ارتباط در این نوشتار، به نحو کلی ارتباطات انسانی و به نحو اخص، ارتباط میان فردی است.

۱. گزینش دوست

اولین عنصر در پایداری ارتباط که ناشی از اندیشه‌ای ترکیبی و عمیق داشتن و توجه به جوانب مختلف در ارتباطات است، گزینش دوست است. انعکاس این گزینش، نه فقط در پایداری ارتباطات دنیوی نشان داده می‌شود، بلکه در روز قیامت نیز انعکاس این انتخاب، وجود دارد. چرا که انسان بواسطه تاثیرپذیری‌ای که از دیگران دارد، به مرور، رفتار و سکناتش مانند دوستش خواهد شد. معصومین: بر این نکته تاکید بسیار داشته‌اند که همواره بنگرید با چه کسی دوستی می‌کنید. و چه کسی را هم‌نشین خود قرار می‌دهید زیرا انسان با دوست و هم‌نشین خود محشور خواهد شد. پیامبر اکرم^۹ می‌فرمایند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»^{۱۰} آدمی بر آیین دوست خود است؛ پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می‌کند.

معصومین: چنان به این مسئله اهمیت می‌دادند و نقشی که دوست و صاحب انسان برای فرد دارد را مؤثر می‌دانستند که نسبت به دوستی با برخی افراد، هشدار و پرهیز داده‌اند. همین هشدارها و پرهیزهای ایشان، مسئله گزینش دوست را در پایداری ارتباط میان فردی، مطرح و مهم می‌کند. افرادی که ائمه عصمت و طهارت: نسبت به دوستی با آنان، پرهیز داده‌اند عبارت‌اند از: دوستی با عوام^{۱۱}، دوستی با جاهلان^{۱۲}، دوستی با نابخردان (احمق)^{۱۳}، دوستی با اشرار^{۱۴}، دوستی با ترسو^{۱۵}، دوستی با دروغگو^{۱۶}، دوستی بر پایه طمع^{۱۷}.

۲. آزمایش دوست

از دیگر عوامل زمینه‌ساز ارتباطی پایدار، آزمایش طرف دیگر ارتباط است که به دو صورت انجام می‌پذیرد. اول اینکه برای تعیین سطح ارتباط با دیگران، مخاطب در مواردی که بیان خواهد شد مورد آزمایش قرار گیرند.

دوم اینکه خود نیز به عنوان طرف ارتباط، به درجه مقبولیت در این موارد، رسیده باشد. زیرا ارتباط یک جریان دو سویه است و برای دوام ارتباط، رعایت عناصر ارتباطی از طرفین ارتباط، انتظار می‌رود. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز تشویق به آزمودن دیگران قبل از ایجاد ارتباط کرده، می‌فرماید: «لَا تَرْعَبَنَّ فِي مَوَدَّةٍ مِّنْ لَّمْ تَكْشِفْهُ»^{۱۸} در دوستی کسی که به درونش پی نبرده‌ای؛ رغبت مکن

شیوه‌های آزمایش

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که دوستان را باید به چه چیزی آزمایش کرد؟ جهت تکمیل بحث و اهمیت مسئله به صورت اختصار موارد آزمودن دوستان را برای داشتن ارتباطی پایدار و با دوام بیان می‌کنیم:

- (۱) آزمایش دوست به دوستانش^{۱۹}
- (۲) آزمایش دوست به دشمنانش^{۲۰}
- (۳) آزمایش کردن به مراقبت بر نماز اول وقت^{۲۱}
- (۴) آزمایش دوست به یاری شدن توسط آنان^{۲۲}
- (۵) آزمایش دوست در سختی‌ها^{۲۳}
- (۶) آزمایش دوست به خشمگین کردن آن^{۲۴}
- (۷) آزمایش به مال و ثروت^{۲۵}

۳. ادای حقوق متقابل

عنصر دیگر پایداری ارتباط که بر تقابل روابط استوار است، ادای حقوق متقابل است. باید دقت داشت که «هیچ بنای دوستی، یک طرفه، باقی نخواهد ماند»^{۲۶} در اسلام، تأکید بسیاری بر رعایت حقوق متقابل شده است و همین امر، مؤید کلام مذکور ماست. وقتی انسانی، محبتی را نثار ما می‌کند، مسلماً باید جوابی در خور و شایسته، به او داد. قرآن کریم، حتی برای مؤمنین، دستوری والاتر می‌دهد و پا را فراتر گذاشته است. نه تنها فرموده لطفی را بی جواب نگذارید و حداقل عین همان لطف و در همان درجه، به او ارزانی دارید، بلکه می‌فرماید نیکوتر از آنچه دیگری به تو داده، به او بدهید. «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ»^{۲۷} بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم.

اداء حقوق متقابل، تا به این جا اهمیت دارد که خداوند نتعال، حقوق بندگان را مقدمه ی حقوق خود قرار داده است. امام علی (ع) می فرماید: « جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ »^{۲۸} خدای سبحان، حقوق بندگان را مقدمه حقوق خود قرار داده، پس آن کس که برای ادای حقوق بندگان خدا به پا خواست، این کارش او را به سوی قیام به ادای حقوق خداوند می کشاند.

این مفهوم، در بین دانشمندان علوم اجتماعی، به مبادله اجتماعی معروف است و اذعان دارند که روابط انسانی بر پایه تبادل، استوار و پایدار می شود. حتی به نوعی، ارتباط انسان ها را به داد و ستد تفسیر کرده اند که « در جریان آن تا حد اشباع مطلوب، ارضا می شوند. »^{۲۹}

هر ارتباطی، متناسب با نوع و سطح ارتباطات، حقوق متقابلی را بر عهده طرفین ارتباط می گذارد. ارتباط دوستی، ارتباط والدین با فرزندان، ارتباط زوجین و دیگر ارتباطات انسانی، حقوق مخصوص به خود را داراست که در روایات بسیار تأکید بر رعایت حقوق متقابل و نهی از اینکه حقوق متقابل صرف ارتباط دوستانه ای که با طرف مقابل ایجاد شده، نادیده انگاشته شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در بیان زیر، به طور صریح بر عدم پایداری ارتباط، در صورت رعایت نکردن حقوق متقابل کرده اند. ایشان می فرمایند: « وَ لَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ »^{۳۰} حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، چه آن کس که حق او را ضایع کرده ای دیگر برادرت نیست

با این همه تأکیدی که ائمه معصومین : بر ادای حقوق دیگران دارند، این نکته را نیز به ما گوشزد می کنند که در مطالبه حقوق خود از دوستان و دیگر انسان ها، نباید سخت گیر باشیم. امیرالمؤمنین علی (ع) در این رابطه می فرماید: « خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى إِخْوَانِهِ مُسْتَقْصِيًا »^{۳۱} بهترین برادر آن است که بر برادرانش [نسبت به مطالبه حقوق خود] سخت نگیرد

از حقوقی که رعایت آن ها نقش به سزایی در پایداری یک ارتباط دارد، به دو مورد می توان اشاره داشت:

(۱) ادای امانت و امانت داری

در ارتباطات میان فردی که انسان با دیگران دارد، امانت داری نقش مهمی را ایفا می کند. در روایات، امانت داری را به صورت های رازداری و حفظ اسرار مردم^{۳۲} و نوامیس مردم و همچنین، امانت های کالا و مال دانسته اند. امام صادق (ع) می فرماید: « لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا - حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةِ فَيُؤَدِّيَهَا - عَلَى الْأَمْوَالِ وَ الْأَسْرَارِ وَ الْفُرُوجِ - وَ إِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَ ضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ »^{۳۳} انسان امانت دار، امین نخواهد بود مگر در سه

مورد امانت را رعایت کند. ۱. بر اموال و دارایی مردم. ۲. بر اسرار مردم. ۳. و بر نوامیس مردم. و اگر دو مورد را حفظ کرد و یکی را ضایع نمود، او امانت دار نخواهد بود.

قرآن کریم، تأکید بسیاری در بازگرداندن امانت و امانت‌داری نیکو دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۳۴} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد].

سفارش ائمه معصومین: در باب رعایت امانت تا بدان حد است که حتی اگر کسی در امانت‌های ما خیانت کرده بود، ما اجازه خیانت در امانت او را نداریم. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَخُنْ مَنْ ائْتَمَنَكَ وَ إِنْ خَانَكَ وَ لَا تَشِينْ عَدُوَّكَ وَ إِنْ شَانَكَ»^{۳۵} به آن که تو را امین شمرده است خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت ورزد و دشمنت را بد نام مکن هرچند او تو را بد نام کرده باشد.

نقش این مسئله در پایداری ارتباط آن‌جا واضح‌تر می‌شود که پیامبر اکرم ۹ می‌فرمایند اگر کسی چنین ویژگی‌هایی را نداشت، به او نباید امید خیر داشت. «إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجِه: الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ وَالصَّدْقُ وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجِه.»^{۳۶} وقتی در برادر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش، حیا و امانت و راستی و اگر این صفات را ندارد از او امیدی نداشته باش.

تأثیر رعایت این مسئله نه تنها در پایداری ارتباطات، بلکه در ایجاد ارتباطات اسلامی نیز تا بدان حد پررنگ است که امیرالمؤمنین علی (ع)، امانت‌داری را ایجاد کننده دوستی می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «الْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الصَّدْقِ»^{۳۷} امانت‌داری، به صداقت و دوستی می‌انجامد.

در کنار مسئله رعایت امانات مردم، مسئله وفای به عهود نیز مطرح می‌شود که این مسئله نیز، از عوامل نگهداری و پایداری ارتباطات میان فردی است.

۲) وفای به عهد

وفای به عهد که از جمله مسائل مهم اسلامی است، در قرآن و روایات مورد تأکید و دستور قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم اینطور بیان می‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^{۳۸} «وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»^{۳۹} «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^{۴۰}

رعایت و وفای به عهود نیز از مهم‌ترین مسائلی است که در ارتباط میان فردی وجود دارد. اگر وفای به عهد نباشد، حقوق متقابل رعایت نمی‌شود و رعایت نکردن حقوق متقابل ارتباط، باعث از هم پاشیدگی آن ارتباط می‌شود. علاوه بر این، طبق فرموده امیرالمؤمنین علی(ع)، نمی‌توان و نباید به دوستی چنین فردی،

اعتماد داشت. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: « لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوْدَّةِ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ »^{۴۱} به دوستی کسی که به عهد خود وفادار نیست، اعتماد مکن.

در بیان نقش و جایگاه این کلام در پایداری ارتباط میان فردی، اینگونه می توان گفت که واژه «مودت» که در لسان روایات، به ارتباط پایدار گفته می شود، در صورتی تحقق می یابد که اولین ویژگی برای پایدار کردن این رابطه، مورد لحاظ قرار بگیرد و آن وفای به عهد است. بدین صورت که گویی هر ارتباطی، خود، عهدی است که بین انسان ها بسته می شود و لازم است طرفین ارتباط به درستی و صداقت و پایداری آن، پایدار و وفادار بمانند. اگر یکی از طرفین ارتباط، ویژگی وفای به عهد را نداشته باشد، دیر یا زود همین ویژگی و خصلتش، در اصل ارتباط نیز نشان داده خواهد شد و موجب از هم پاشیدگی ارتباط می شود و به دوستی پایدار چنین فردی، نمی توان اعتماد کرد.

۴. اهل حلم و صبر

از صفات و ویژگی های بسیار خوبی که مؤمنین دارند، صبور بودن و حلیم بودن است. و در روایات به این مورد و کسب و تقویت آن تأکید بسیاری شده است چرا که این مورد نیز، از عناصر پایدار کردن ارتباطات بین مؤمنین است. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: « إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ ؛ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ »^{۴۲} اگر بردبار نیستی، وانمود کن که بردباری؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و به زودی یکی از آنان نشود.

نقش حلم و صبر در پایداری ارتباط ، در دو جا بروز پیدا می کند. نخست ، صبور بودن در برابر مشکلات، سختی ها و دوم حلیم بودن در مقابل مسائلی که حادث می شود. تفاوت این دو جایگاه، به علت تفاوت در معنای واژه صبر و حلم است. به طور کلی می توان گفت که انسان باید نسبت به رفتارهای دیگران، حلیم باشد تا بتواند ارتباطات خود را پایدار و دائمی کند و از طرف دیگر نسبت به سختی ها و مسائلی که پیش می آید، صبوری نشان دهد تا این مسائل، عاملی برای برهم زدن ارتباطات او نباشد. امام صادق(ع) می فرماید: « قَالَ لَقْمَانُ لِابْنِهِ : يَا بُنَيَّ ، إِيَّاكَ وَالضَّجْرَ ، وَسُوءَ الْخُلُقِ ، وَقِلَّةَ الصَّبْرِ ، فَلَا يَسْتَقِيمُ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ صَاحِبٌ ، وَالزِّمَ نَفْسَكَ التَّوَدَّةَ فِي أُمُورِكَ ، وَصَبْرٌ عَلَى مَوْوناتِ الْإِخْوَانِ نَفْسَكَ ، وَحَسَنٌ مَعَ جَمِيعِ النَّاسِ خُلُقَكَ »^{۴۳} امام صادق(ع): لقمان به فرزندش گفت: فرزندم ! از غمزدگی و بی حوصلگی و بد خویی و کم صبوری دوری کن که هیچ دوستی، تحمل این خصلتها را ندارد . در کارهایت آرام و بردبار باش و در تحمل زحمات برادران، صبوری کن و با همگان خوش خو باش.

امام صادق (ع) با دو تأکید متفاوت، نقش حلم و کم صبری در ارتباط را بیان فرمودند. امام علی (ع) نیز، مؤمنین را توصیه به صبر و تحمل کرده و از کم صبری پرهیز می‌دهند زیرا عدم صبر و تحمل، از عوامل جداکننده و قطع کننده ارتباط است: «الإمامُ علیُّ (ع) - فی وصیَّتِهِ لابنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الحَنَفِیَّةِ - : إِيَّاكَ وَ العُجْبَ وَ سُوءَ الخُلُقِ وَ قِلَّةَ الصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَي هَذِهِ الخِصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ وَ لَا يَزَالُ لَكَ عَلَيهَا مِنَ النَّاسِ مُجَانِبٌ وَ أَلْزَمُ نَفْسَكَ التَّوَدُّدَ وَ صَبْرٌ عَلَي مَعُونَاتِ النَّاسِ نَفْسَكَ وَ ابْدُلْ لِصَدِيقِكَ نَفْسَكَ وَ مَالَكَ وَ لِمَعْرِفَتِكَ رِفْدَكَ وَ مَحْضَرَكَ وَ لِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ وَ مَحَبَّتَكَ وَ لِعَدُوِّكَ عَدْلَكَ وَ إِنْصَافَكَ وَ اضْنُنْ بِدِينِكَ وَ عَرِضِكَ عَن كُلِّ أَحَدٍ فَإِنَّهُ أَسْلَمَ لِدِينِكَ وَ دُنْيَاكَ»^{۴۴} امام علی (ع) - در سفارش به فرزند خود محمد بن حنفیه - فرمود: زنهار از خودپسندی و بد خویی و کم صبری؛ زیرا با وجود این سه خصلت، دوستی برای تو باقی نمی‌ماند و مردم همواره از تو کناره می‌گیرند و همواره مردم از تو کناره گیرند خود را باظهار دوستی وادار کن و بر زحمات مردم خویشتن را شکیبیا ساز و جان و مالت را از دوستت و بخشش و دیدارت را از آشنایان و خوشروئی و محبتت را از عموم مردم و عدل و انصافت را از دشمنت دریغ مدار و از دست دادن دین و آبروی خود در باره هر کس که باشد بخل بورز که دین و دنیایت سالمتر خواهد بود.

۵. کنترل کلام و زبان

از موارد بسیار مهمی که لازم است در همه ارتباطات مورد لحاظ قرار بگیرد تا ارتباط، در وهله اول خوشایند بوده، در مرحله بعد، مفید و مؤثر باشد و در نهایت نیز، موجبات پایداری ارتباط را فراهم سازد، کنترل گفتار و کلام است. این کنترل در مواردی مانند پرهیز از زیاده‌گویی‌ها و بحث و جدل و مشاجره و شوخی‌های بی‌جا و ... مطرح می‌شود. روایات معصومین: بر تأثیرات مستقیمی که این موارد در پایداری ارتباط دارند، تأکید می‌کند.

تفاوت این مسئله با عنصر حلم و بردباری، در متعلق آن است، چنانچه بیان شد، حلم به کنترل و تحمل خشم گفته می‌شود و واژه صبر، بر تحمل مصائب و مشکلات. اما بحث کنترل کلام، اگرچه که در هنگام خشم و مصیبت، دارای نقطه اشتراک است، اما وجه افتراق بسیار آن و حیطه‌های عام‌تری که این مسئله داشته و تأکیدی که در روایات بر این مسئله شده است، باعث شد که جداگانه مورد بحث قرار گیرد.

در توصیه‌ها و اوامر معصومین:، به دو گونه به این مسئله پرداخته شده است. گاهی در کلام آنان، سفارش به رعایت رفتاری خاص دارند و گاهی هم پرهیز از انجام برخی رفتارهای دیگر؛ که مجموع این‌ها، عناصر پایداری ارتباط میان فردی را در بخش کنترل کلام، به عهده دارند. آن جا که رویکرد اهل بیت عصمت و طهارت،

رویکردی ایجابی است، بحث «صدق و راستگویی» بیان می‌شود و آن جا که رویکردشان، سلبی است، مباحث پرهیز از «زیاده‌گویی»، «جدل» و «مناقشه کردن» و «نکته‌سنجی و ریزبینی» و «حیله‌گری» و «شوخی‌های بی‌جا» مطرح می‌شود.

مورد استعمال واژه «صدق»، هم در گفتار^{۴۵} است و هم در رفتار^{۴۶}. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «أَشْرَفُ الْأُقْوَالِ الصِّدْقُ»^{۴۷} اهمیت این مسئله آن‌چنان است که صدق، یکی از موهبت‌های الهی ذکر شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: « إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ الصِّدْقَ »^{۴۸}.

انسان در ارتباطات میان فردی خود بایستی، کنترل زبان و گفتار خود را داشته باشد. زیرا محافظت بر اقوال، از عناصری است که در پایداری ارتباط، نقش موثری دارد و صدق و راستی، نتیجه کنترل اقوال است. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: « أَحْفَظُ عَلَيْكَ لِسَانَكَ تَمْلِكُ بِهِ إِخْوَانَكَ »^{۴۹} زبانت را نگه دار تا برادرانت را نگه داری. پرهیز از مشاجره کردن و بحث کردن و جدل کردن و شوخی کردن‌های نابه جا و ریزبینی و حساب‌کشی و نکته‌سنجی در رفتار دیگران، از مواردی است که در روایات به آن اشاره شده است و پایداری ارتباط در گرو پرهیز از اینگونه رفتارها است. امام صادق (ع) می‌فرماید: « قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا وَاللَّهِ أَحَبُّكَ، فَقَالَ لَهُ: يَا حَارِثُ، أَمَا إِذَا أَحْبَبْتَنِي فَلَا تُخَاصِمْنِي، وَ لَا تُلَاعِبْنِي، وَ لَا تُجَارِبْنِي، وَ لَا تُمَارِضْنِي، وَ لَا تُوَاضِعْنِي، وَ لَا تُرَافِعْنِي»^{۵۰} امام صادق (ع) : حارث اعور به امیرالمؤمنین عرض کرد: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که دوستت می‌دارم. حضرت فرمود: ای حارث! اگر واقعا مرا دوست داری پس سعی کن با من مشاجره نکنی، مرا به بازی نگیری، برای خودنمایی با من بحث نکنی، با من شوخی نکنی و مرا از آنچه هستم فروتر و یا فراتر نبری.

این موارد، برای یکرنگی در دوستی و پایداری آن مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی (ع) پرس و جو و حساب‌کشی از دیگران را مانعی برای پایداری ارتباط و عامل جدایی بیان کرده می‌فرماید: « مَنِ اسْتَقْصَى عَلَي صَدِيقِهِ انْقَطَعَتْ مَوَدَّتُهُ »^{۵۱} هر که از دوست خود پرس و جوی زیاد (حساب‌کشی) کند رشته دوستیش بگسلد.

۶. رعایت انصاف

انصاف در لغت، در معنای واژه «عدل»، به معنای رعایت عدالت و مساوات^{۵۲} در ادای حقوق متقابل می‌باشد. یکی از اوامر الهی در رابطه ما با دیگران، رعایت عدالت و انصاف است. آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^{۵۳}. امام علی (ع) در تفسیر این آیه، منظور از عدل را رعایت انصاف بیان کرده‌اند.^{۵۴}

داشتن این ویژگی‌ها در رعایت عدالت، باعث بهبود روابط میان فردی و خوش بینی مردمان به یکدیگر خواهد شد و همین امر، عاملی برای اتحاد بیشتر و محبت بیشتر مردم به یکدیگر می‌شود و مسلم است که در سایه محبت و اتحاد بین مسلمین، ارتباطات پایداری بیشتری خواهد داشت. اگر به نحو کلی بخواهیم فرمولی را داشته باشیم تا با رعایت آن در جای جای زندگی و در تمام ارتباطات میان فردی، انصاف را رعایت کنیم، باید به این کلام رسول اکرم ۹ تأسی کنیم. می‌فرمایند: «مَنْ صَاحَبَ النَّاسَ بِالذِّی يُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوهُ كَانَ عَدْلًا»^{۵۵} هر که با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند، عادل است. و نیز در بیانی دیگر بر همین نکته تأکید داشته و می‌فرمایند: «مَا كَرِهْتَهُ لِنَفْسِكَ فَكَرِهْهُ لِغَيْرِكَ، وَ مَا أَحَبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحَبِّبْهُ لِأَخِيكَ؛ تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ، مُقْسِطًا فِي عَدْلِكَ، مُحَبَّبًا فِي أَهْلِ السَّمَاءِ، مُودودًا فِي صُدُورِ أَهْلِ الْأَرْضِ»^{۵۶} آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگری هم مپسند و آنچه برای خود دوست داری، برای برادرت نیز دوست بدار، تا در قضاوت عادل باشی و در عدالت دادگر و نزد آسمانیان دوست داشتنی و در دلهای زمینیان محبوب.

امام صادق (ع) ، همنشینی با فردی که این ویژگی را ندارد، به دور از خیر دانسته و می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي صُحْبَةِ مَنْ لَمْ يَرَ لَكَ مِثْلَ الَّذِي يَرِي لِنَفْسِهِ»^{۵۷} در دوستی کسی که آنچه برای خود می‌خواهد برای تو نمی‌خواهد، خیری نیست. این یک قاعده طلایی است که رعایت آن موجب پدید آمدن بسیاری از صفات پسندیده در انسان می‌شود. بواسطه رعایت این قاعده طلایی، انسان از توقعات بی جا دور شده و همین دوری از توقعات بی جا عاملی برای بقا و پایداری ارتباطاتش می‌شود. یکی از توقعات بی جا این است که دوستش همواره او را بر خود ترجیح دهد و ثمره این توقع، نارضایتی همیشگی نسبت به طرف مقابلش هست. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنْ صَدِيقِهِ إِلَّا بِإِيتَارِهِ عَلَى نَفْسِهِ دَامَ سَخَطُهُ»^{۵۸} هر که از دوست خود راضی نشود مگر زمانی که دوستش او را بر خودش ترجیح دهد، همواره ناراضی باشد. این توقع عاملی برای برهم زدن ارتباط است که با رعایت این قاعده طلایی، مانع پایداری ارتباط از بین رفته و ارتباطات را مستدام تر می‌کند.

۷. سودمندی و مفید بودن

از عناصری که برپایه ارتباطات مؤثر و در جهت پایداری ارتباط میان فردی قابل ذکر است، سودمندی ارتباط است.

این عنصر بیانگر این نکته است که ارتباط پایدار ، ارتباطی است که برای طرفین ارتباط سودمند بوده و منفعت داشته باشد. مسلماً منظور از این سودمندی، صرفاً سود مادی نیست. زمانی که ارتباطگر با رفتار خود، مخاطبش را جهت‌دهی اخلاقی می‌کند و یا زمانی که این ارتباط، باعث تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق او شده و

یا موجب علم‌آموزی و حتی تقویت تعلم در طرف دیگر را به همراه دارد، تمام این موارد جزء مسائلی است که نشان می‌دهد این ارتباط برای طرفین ارتباطی سودمند بوده و همواره این ارتباط پایدار خواهد بود.

از این روست که در روایت بیان شده که آرامش مومن، به برادرش هست^{۵۹}. این یکی از مصادیق سودمندی ارتباطات میان فردی مؤمنین است. از دیگر مصادیق این عنصر، در یاری کردن مومنین نسبت به یکدیگر، کمک در رشد معنوی و خیرخواهی و نصیحت کردن و گفتن عیوب یکدیگر در راستای برطرف کردن عیوب و ... می‌باشد که به علت گستردگی مصادیق و روش‌های پیاده کردن این عنصر پایداری ارتباط میان فردی، از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

امام حسین (ع) در تقسیم دوستان و برادران و ارتباط‌گران را به چهار دسته تقسیم فرموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «الإخوان أربعة: فأخ لك و له، و أخ لك، و أخ عليك، و أخ لك و لا له»^{۶۰} برادران چهار گروهند: برادری که به سود تو و سود خویش است و برادری که به سود توست و برادری که به زیان توست و برادری که نه به سود توست و نه به سود خودش. و از بین این برادران، آن ارتباطی که سودمند است، پایدار است. چه سودمند برای طرفین ارتباط باشد و چه اینکه به سود یک طرف ارتباط باشد. اما ارتباطی که سودی به هیچ طرف ارتباط نرساند، از جمله ارتباطات پایدار نیست. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند که حضرت داوود (ع) به فرزندشان فرمودند: « لا تُسْتَبَدَلَنَّ بِأَخٍ قَدِيمٍ أَخَا مُسْتَفَادٍ مَا اسْتَقَامَ لَكَ »^{۶۱} تا زمانی که برادر (دوست) قدیمی بر وفق مراد توست هیچ گاه برادر تازه به دست آمده‌ای را جایگزین او مکن. انسان عاقل، چیزی را که مفید به حالش باشد و برایش سود و نفع داشته باشد رها نمی‌کند و دائماً آن را در اختیار خواهد داشت. پیامبر اکرم ۹، سودمندی که حاصل ارتباط مؤمنین با یکدیگر هست را بعد از اسلام، بهترین سودمندی بیان می‌کنند^{۶۲} و این نشان از اهمیت این مسئله در ارتباطات میان فردی و اثراتی است که بر ارتباط و طرفین ارتباط می‌گذارد.

۸. حفظ و رعایت حریم

خداوند متعال انسان را از بهره‌های درونی ویژه‌ای مانند عقل برخوردار کرده است و او را به سبب این بهره‌وری، کریم و بزرگووار داشته است. کرامت یعنی بزرگواری و بزرگواری، حاصل بهره‌وری معین یک موجود است. اگر انسان بما هو انسان را در نظر بگیریم، بواسطه بهره‌های خدادادی اش، دارای کرامت است. اگر افراد را به واسطه این بهره‌ها مورد مقایسه قرار دهیم، این جا که پای قیاس به میان می‌آید، از واژه فضیلت استفاده می‌شود. « کرامت، به اصل انسان بودن باز می‌گردد و اختصاصی به دسته معینی از آدمیان ندارد. از این حیث، آدمیان همه از یک گوهراند و همه شریف‌اند و از این حیث، هیچ کس را بر دیگری فضیلتی نیست. همه به گوهر انسانی کریم و مکرم‌اند. سیاه باشند یا سرخ یا زرد یا سفید: « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ

وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^{۶۳} و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. هر گاه انسان، آن گوهر شریف را که از آن بهره ور شده پاس دارد و آن را جلوه ای بیشتر بخشد، خود را سزاوار کرامتی افزون تر گردانیده است و خداوند او را در پایگاه فراتری از کرامت، قرار می‌دهد.^{۶۴} این کرامت، از پی حفظ و پاس داشتن و بهره ور تر کردن کرامت نخست است: ... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^{۶۵} ... در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید خداوند دانای آگاه است. از طرفی هر کس آن گوهر را به تیرگی بنشاند، سرمایه کرامت خود را به فنا داده است و از زمره کریمان خارج می‌شود: وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ^{۶۶} و هر که را خدا، خوار و خفیف دارد، پس دیگر اکرام کننده‌ای برای او نخواهد بود.

مهم ترین مسئله در کرامت انسانی، حفظ آن است. بدین معنا که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه های عزت نفس و تکریم او را فراهم آورد و از عواملی که این کرامت را خدشه دار می کنند، دوری کنید. حفظ آبروی مؤمن و عزت مند گرداندن او و حفظ تقوا از مهم ترین عواملی است که باعث می شود کرامت انسانی حفظ شود. چرا که به گفته خداوند تبارک و تعالی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^{۶۷} همانا باکرامت ترین شما نزد خدا، با تقواترینتان است. اگر انسان در مقام حفظ کرامت انسانی خود باشد، باید بکوشد تا با حفظ و بالاتر رفتن عنصر تقوا در خود، به این کرامت دست پیدا کرده و عزت و آبرومندی را از خدا طلب کند

از دیگر عناصر پایداری ارتباط میان فردی، عنصر حفظ و رعایت حریم افراد است. در روایات، رعایت حریم و حد و مرزها تاکیدات فراوانی دیده می‌شود. و به طور مستقیم و غیر مستقیم این مسئله را عنصری حیاتی برای حفظ و دوام ارتباط بیان می‌کنند. امام صادق (ع) رعایت و حفظ حرمت و حریم را از عواملی می‌داند که نه تنها پایداری ارتباط را تضمین می‌کند، بلکه نگه دارنده حیا که حالت درونی حفظ حریم و کرامت انسانی افراد است، ذکر می‌کنند. ایشان (ع) می‌فرمایند: « لَا تَذْهَبِ الْحِشْمَةُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا ؛ فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ ، وَ بَقَاءُ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمَوَدَّةِ »^{۶۸} ادب و حرمت میان خود و برادرت را از بین نبر و آن را نگه دار؛ زیرا با از بین رفتن ادب و حرمت، حیا نیز از میان می‌رود و نگه داشتن ادب و حرمت، مایه پایداری دوستی است.

از شاخصه‌های نگه داشتن حرمت افراد، داشتن حیا است. کسی که این حالت درونی عفاف و حیا را دارا باشد، در رفتارهای او نیز به گونه‌ای خواهد بود که در بردارنده حرمت خود و دیگران است. محبوب بودن فرد با حیا و عقیف و پاک دامن و حرمت نگه دار نزد خداوند، به دلیل مبعوض داشتن صفاتی است که غیر از این فرد، در روابط انسانی اش داراست. در روایتی، امام باقر (ع) می‌فرمایند: « فِي قَوْلِهِ «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» قَالَ: قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَلْفَاحِشَ

الْمُتَّفَحِشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ، وَ يُحِبُّ الْحَيَّيَ الْخَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ^{۶۹} درباره این گفته خداوند که «با مردم به زبان خوش سخن بگویند» فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آن‌ها بگویند، چرا که خداوند، لعنت کننده، دشنام دهند، زخم زبان زن بر مؤمنان، زشت گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن می‌دارد و با حیا و بردبار و عقیف پارسا را دوست دارد. خوب سخن گفتن از مقدماتی است که انسان در قالب این رفتار می‌تواند حریم و حرمت افراد را نگه دارد.

رعایت حرمت انسان برای خداوند از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا خداوند این انسان را با کرامت آفریده و انتظار می‌رود که این کرامت در تمام مراحل زندگی، حفظ شود. چنانچه کسی بخواهد این حرمت را از بین ببرد، اولین شخصی که ضربه می‌خورد خود اوست و این رفتار حرمت شکن او، باعث آشکار شدن عیبت- هایش، و شکستن حرمتی می‌شود که خداوند به واسطه ستاریت خود، برایش نگاه داشته بود. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: « مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا ، وَ مَنْ هَتَكَ حِجَابَ غَيْرِهِ انْكَشَفَتْ عَوْرَاتُ بَيْتِهِ »^{۷۰} هر که برای برادرش چاهی کند، خود در آن افتد و هر که پرده [حرمت] دیگری را بدرد، عیب‌های درون خانه او بر ملا شود.

۹. محبت قلبی

« یکی از ویژگی‌های شگفت آور و برجسته آدمی، دلبستگی است که در قرآن از آن به «حب» و در فرهنگ عرفا از آن به عشق یاد شده است. شگفتی و برجستگی این پدیده از آن رو است که می‌تواند شوری عظیم در انسان برانگیزد و مبدأ تحمل، قدرت و جسارتی خیره کننده در وی شود و او را برای هر گونه خطرپذیری مهیا سازد. از این حیث، گاه از دلبستگی ها، کاری بر می‌آید که هم سنگ آثار ملکات پایدار و بلکه فراتر از آن هاست^{۷۱} مانند ملکه شجاعت که حاصل استمرار چشمگیر در رویارویی و برخورد با خطرات و وقایع مهیب است، اما همین حاصل (شجاعت) از دلبستگی نیز بر می‌آید.

قرآن بیان می‌کند که انسان، دلداده‌ای شوریده است و اهلیت آن را دارد که دل و سر بسپارد. اگر انسان دل به خدا ببندد، این بستگی ریشه‌گیر را با وی در می‌پیوندد (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ : آنان که ایمان آوردند، دلبستگی عمیقی با خدا دارند)^{۷۲} و اگر دل به غیر او بندد نیز با همین شدت و حدت وابسته او می‌شود (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ)^{۷۳} با توجه به این ویژگی انسانی، باید همواره مد نظر داشته باشد که دل در گرو معبود حقیقی سپرد و از الطاف الهی و محبت‌هایی که خداوند به انسان کرامت کرده، دیگر خلائق را نیز بهره‌مند سازد.

عنصر دیگری که موجبات پایداری انسان را فراهم می‌کند، ارتباط قلبی و محبتی بین طرفین ارتباط است. محبت قلبی در اخوت و مودت، نقش پایه‌ای و کلیدی را دارد زیرا اگر محبت در ارتباط میان فردی نباشد،

اخوت و برادری وجود ندارد. گویا که ارتباط فقط جنبه صوری و ظاهری داشته و از کیفیت و معنا خالی است. امیرالمؤمنین علی (ع) به یکی از یاران‌شان به نام کمیل بن زیاد نخطی می‌فرماید: «یا کَمیلُ، إن لم تُحِبَّ أَخاکَ فَلَسْتَ أَخاهُ»^{۷۴} ای کمیل! اگر برادرت را دوست نداشته باشی برادر او نیستی.

با توجه به ویژگی ذاتی انسان که موجودی دلبسته است، این محبت قلبی، و دوام آن، عاملی برای پایدار شدن ارتباطات او می‌شود. نکته‌ای که در پایه‌ای‌ترین مسئله در این زمینه هست، دقت در موضعی است که محبت انسان در آن جا، نهاده می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «لا تَبْذِلَنَّ وُدَّکَ إِذَا لَمْ تَجِدْ مَوْضِعًا»^{۷۵} دوستی خود را بی جا نثار مکن.

اهمیت دیگری که در قرار دادن محبت در جای خود مد نظر ماست، نقشی است که این مسئله در پایدار یا ناپایدار کردن ارتباطات میان فردی دارد. چرا که عدم توجه به موضع محبت، عاملی برای ناپایداری ارتباط میان فردی می‌شود. گویا به واسطه رعایت نکردن این مسئله، در اصل، مودتی ایجاد نشده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ وَضَعَ حُبَّهُ فِی غَیْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ»^{۷۶} هر کس دوستی و محبت خود را در جایگاه مناسبش نهد، خود را در معرض قطع رابطه قرار داده است.

۱۰. اعلام محبت

از دیگر عناصر پایداری ارتباطات میان فردی، اعلام محبت است که بر این مسئله نیز تأکید بسیاری شده است. چه در روابط میان فردی که بین عموم مؤمنین وجود دارد و چه در روابط خاص‌تری که بین زوجین، برقرار است، بحث اعلام محبت از مباحثی است که نقش بسزایی را در پایداری و دوام ارتباطات میان فردی ایفا می‌کند.

«بیان محبت از دو جهت ضرورت می‌یابد: نخست آن که گاه مخاطب نمی‌تواند از اشارت‌ها و ظواهر ما، راه به درونمان جوید و یا آن که در تفسیر پاره‌ای از حرکات و رفتارهای عادی یا سهوی ما، دچار سوء تعبیر می‌شود»^{۷۷}. در این موارد می‌توان از بیان کمک گرفت و مانع ایجاد سوء تعبیر و کدورت‌ها شد. از طرف دیگر، اظهار محبت، چون جلوه‌ای از باطن ماست، باعث مضاعف شدن رشته محبت و در نتیجه استحکام قلبی و ظاهری این ارتباط می‌شود.

پیامبر اکرم^۹ می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُکُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيُعْلِمَهُ»^{۷۸} هرگاه یکی از شما رفیق یا برادر خود را دوست دارد، آن را به او اعلام کند این اعلام گاهی بواسطه جوارح انسان صورت می‌گیرد. که در این جا بحث اظهار محبت در قالب‌های بیانی و کلامی و رفتاری مطرح می‌شود. گاهی نیز، این اعلام به خود شخص است که از آن به جوانجی و درونی یاد شده است. امام علی (ع) زبان و بیان را یکی از راه‌های اظهار

محبت و مودت بیان می کنند. ایشان می فرمایند: «إِنَّ الْمَوَدَّةَ يُعْبَّرُ عَنْهَا بِاللِّسَانِ ، و عَنْ الْمَحَبَّةِ الْعَيْنَانِ»^{۷۹} دوستی را زبان ابراز می کند، و عشق و محبت از چشمها پیداست.

این روایت، شامل هر دو نوع اظهار محبت قلبی انسان هست. هم اشاره به اظهار زبانی شده است و هم اشاره به اظهار رفتاری که بدون استفاده از کلام نیز، چشم ها، محبت قلبی انسان را بروز می دهند. این اظهار و اعلام دوستی خود، جلب کننده دوستی و محبت دیگران است. امام علی علیه السلام می فرمایند: «بِالتَّوَدُّدِ تَكُونُ الْمَحَبَّةُ»^{۸۰} مهربانی و اظهار دوستی، محبت می آورد.

اعلام محبت به صورت رفتاری، در بردارنده رفتارهای مثبتی است که نسبت به دیگران از سمت ما، صورت می گیرد اما در این بین، برخی رفتارها از اهمیت بیشتری برخوردار است که در روایات به این رفتارها نیز تاکید بیشتری شده است. که در ذیل به این مهم ها خواهیم پرداخت :

الف) دید و بازدید

یکی از رفتارها، دید و بازدیدهایی است که بین افراد صورت می گیرد. این دید و بازدید به صورت کلی مد نظر ماست که صله ارحام را نیز دربردارنده است. امام صادق (ع) می فرمایند:

« تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءً لِقُلُوبِكُمْ ، وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا ، وَ أَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ، فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشِدْتُمْ وَ نَجَوْتُمْ ، وَ إِنْ تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ ، فَخُذُوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ »^{۸۱} دید و بازدید کنید که دیدار شما از یکدیگر موجب زنده شدن دل‌های شما و یاد کرد احادیث ما می شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می کند . اگر به آنها عمل کنید ، کمال و نجات می یابید و اگر رهایشان کنید، گمراه و هلاک می شوید . پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم .

معصومین : با بیانات مختلف، مؤمنین را به این مسئله متوجه ساخته و آنان را توصیه به دیدار یکدیگر کرده‌اند و در این بین، نحوه و اثرات زمان دیدار و بعد از آن زمان را فرموده‌اند. پیامبر اکرم ۹ می فرمایند: «الزِّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ»^{۸۲} دید و بازدید بذر محبت را می‌رویاند. وقتی محبت در دلی کاشته شد و این بذر با دید و بازدید های دائمی، آبیاری شد، درختی تنومند می شود که پایداری اش تضمین کننده تر است تا یک نهال که شکننده است. حتی این مسئله، آنچنان اهمیت دارد که در سفر نیز که انسان نمی‌تواند به دیدار دوست مومنش برود، سفارش شده است که این دیدار را در قالب نوشتن نامه، ادامه دار باشد. امام صادق (ع) می فرمایند: «التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاتُبُ»^{۸۳} ارتباط میان برادران در حَضَر دیدار است و در زمان سفر، نامه نگاری .

ب) هدیه دادن

از دیگر رفتارهایی که در ازدیاد محبت و مودت و در نتیجه پایداری ارتباط موثر است، هدیه دادن به یکدیگر است. امام صادق (ع) با توجه به نقش مثبتی که هدیه دادن در پایداری و دوام ارتباطات میان فردی مومنین دارد، این مورد را به آنان سفارش می‌کند و می‌فرماید: « تَهَادُوا تَحَابُّوا ، تَهَادُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ »^{۸۴} به یکدیگر هدیه دهید، تا نسبت به همدیگر با محبت شوید. به یکدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد.

این سیره در رفتار پیامبر اکرم ۹ ذکر شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید که آن حضرت ۹ هدیه را قبول می‌کردند اما صدقه را نمی‌پذیرفتند و اینگونه می‌فرمودند: « تَهَادُوا ؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسِلُّ السَّخَائِمَ ، وَ تُجْلِي ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادِ »^{۸۵} برای یکدیگر هدیه ببرید؛ زیرا هدیه بد خواهی‌ها را از دل‌ها [بیرون می‌کشد و کینه‌های دشمنی و نفرت‌ها را برطرف می‌کند.

پیامبر اکرم ۹ اثر مستقیم هدیه دادن را در پایداری ارتباطات میان فردی اینگونه بیان می‌کنند: « الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ ، وَ تَجْدُرُ الْأَخُوَّةَ ، وَ تَذْهَبُ الضَّغِينَةَ ، تَهَادُوا تَحَابُّوا »^{۸۶} هدیه دادن محبت می‌آورد و برادری را نگه می‌دارد و کینه و دشمنی را می‌برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید.

هدیه دادن و هدیه گرفتن از عناصری است که باعث ازدیاد محبت بین مومنین شده و ارتباطاتشان را پایدار می‌گرداند.

۱۱. درک محبت

علاوه بر اینکه ما مامور به اعلام و اظهار محبت هستیم، مامور به درک محبت دیگران نیز هستیم. این مسئله در روایات نیز بیان شده و راه‌هایی را برای درک محبت دیگران به ما یاد داده‌اند. که از جمله آن، توجه به محبت قلبی‌ای است که ما در دل خود نسبت به دیگران داریم. امام باقر (ع) می‌فرماید: « اعْرِفِ الْمَوَدَّةَ لَكَ فِي قَلْبِ أَخِيكَ بِمَا لَهُ فِي قَلْبِكَ . »^{۸۷} محبت قلبی برادرت را نسبت به خودت، از محبتی که در قلبت نسبت به او داری، بشناس.

توجه به محبت قلبی خود، علاوه بر اینکه باعث شناسایی محبت دیگر افراد نسبت به انسان می‌شود انسان را متوجه این مسئله می‌کند که محبت او نسبت به چه افرادی است. آیا نسبت به افرادی است که در طاعت خداوند تبارک و تعالی هستند و یا به دشمنان خداوند؟ و از این ملاک می‌تواند ایمان و جایگاهی که نزد خداوند و اهل طاعت دارد را بسنجد. امام باقر (ع) می‌فرماید: « إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ ؛ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ ففَيْكَ خَيْرٌ ، وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ . وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ

يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ، وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»^{۸۸} هرگاه خواستی بدانی که در تو خیری هست، به دلت نگاه کن؛ اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن داشت، در تو خیر هست و خدا هم تو را دوست دارد، ولی اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست داشت، خیری در تو نیست و خدا هم با تو دشمن است. و انسان با کسی است که دوستش دارد.

۱۲. اهل احسان بودن

از دیگر عناصر پایداری ارتباطات میان فردی، اهل احسان بودن طرفین ارتباط است. با توجه به استعمالات قرآن از این واژه، واژه احسان به دو معنا^{۸۹} بیان شده است. یکی به معنای نیکی و بخشش نسبت به دیگران است که در آیات بالا اشاره شد و دیگری به معنای نیکو انجام دادن افعال است که خداوند این واژه را در مورد خود^{۹۰} بیان کرده و از انسان نیز خواسته است که اعمال را نیکو انجام دهد. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»^{۹۱} کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم.

در روایاتی که واژه احسان به کار برده شده است، هر دوی این معانی مد نظر بوده است. گاهی احسان کردن نسبت به دیگری مورد لحاظ بوده است. امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ يَجِدْ لِلْإِسَاءَةِ مَضْمَنًا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ لِلْإِحْسَانِ مَوْقِعٌ»^{۹۲} کسی که مزه رنج و سختی را نچشیده، نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد. و یا امیر المومنین علی (ع) می‌فرمایند: «الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَفْعَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ، اللَّئِيمُ يَرَى سَوَالِفَ إِحْسَانِهِ دَيْنًا لَهُ يَقْضِيهِ»^{۹۳} بزرگوار، نیکوکاری‌های خود را بدهی به گردن خود می‌داند که باید بپردازد و فرومایه، احسان‌های گذشته خود را بدهی به گردن دیگران می‌داند که باید پس بگیرد.

اهمیت و نقش احسان نسبت به دیگران در ارتباطات انسان، به علت تاثیری است که بر انسان می‌گذارد و این تاثیر، ناشی از ویژگی ذاتی دلبستگی انسان است. امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد تاثیر احسان بر روابط میان فردی می‌فرمایند: «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ»^{۹۴} هر کس که احسان او بسیار باشد، دوستان او زیاد می‌شوند. ایشان در بیان دیگری علاوه بر اینکه به علت احسان‌های زیاد، دیگران با محسن، دوست شده و دوست دار او می‌شوند، به دوام این محبت نیز اشاره کرده و می‌فرمایند: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ اسْتَدَامَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ»^{۹۵} آن که به مردم نیکی کند، محبت آنان را [نسبت به خود] استمرار بخشد.

دوام بخشیدن محبت دیگران که در اثر احسان ایجاد می‌شود، به علت همان ویژگی دلبستگی ذاتی انسان است. این علت را پیامبر اکرم ۹ در بیانی اینگونه فرموده‌اند: «جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغِضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا»^{۹۶} سرشت دلها بر دوستی کسی که به آنان نیکی کرده و بر دشمنی کسی که به آنان بدی

نموده است. همانطور که در روایت بیان شده است، جبلی و ذاتی قلب بر این است که فرد احسان کننده به خودش را دوست می دارد. به خاطر همین ویژگی است که فرموده اند: «الْإِحْسَانُ يَسْتَعْبِدُ الْإِنْسَانَ»^{۹۷} احسان ، انسان را بنده خود می کند.

۱۳. حسن خلق

از دیگر عناصر پایداری ارتباط میان فردی داشتن حسن خلق و رفتار در برخورد با دیگران است. داشتن خلق و رفتاری نیکو، از مسائل مورد تاکید در اسلام است و اهمیت این مسئله تا بدان حد است که پیامبر گرامی اسلام ۹ علت بعثت خود را اتمام مکارم الاخلاق، بیان نموده و دین را حسن خلق می دانند. ایشان می فرمایند: «جاء رجلٌ إلى رسولِ اللهٍ ۹ من بين يديه فقال: يا رسولَ الله ، ما الدينُ؟ فقال: حُسْنُ الخُلُقِ . ثُمَّ أتاهُ عن يمينه فقال: ما الدينُ؟ فقال: حُسْنُ الخُلُقِ . ثُمَّ أتاهُ من قِبَلِ شِمَالِهِ فقال: ما الدينُ؟ فقال: حُسْنُ الخُلُقِ . ثُمَّ أتاهُ من ورائه فقال: ما الدينُ؟ فالتفتَ إليه و قال: أ ما تَفْقَهُ؟! الدينُ هو أن لا تَعْصَبَ»^{۹۸} مردی از روبروی پیامبر خدا ۹، خدمت آن حضرت آمد و پرسید: ای رسول خدا! دین چیست؟ فرمود: خوش خویی. سپس از طرف راست آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: خوش خویی. آن گاه از طرف چپ آن حضرت آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: خوش خویی. سپس از پشت سر ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟ حضرت به طرف او برگشت و فرمود: مگر نمی فهمی؟! دین ، آن است که خشم نگیری . . مکارم الاخلاق، موجب اصلاح پیوند انسان با خداوند متعال می شود^{۹۹} و اصلاح رابطه انسان با خداوند نیز منجر به اصلاح رابطه بین مومنین می شود.

آن چه در روایات، از معنای حسن خلق بیان شده است، نرمی در گفتار و رفتار، با چهره گشاده با دیگران روبرو شدن، پرهیز از تندی و خشم و رفتاری سرد و خشونت آمیز است. چنانچه همین سوال از امام صادق (ع) پرسیده شد و ایشان در معنای حسن خلق فرمودند: «تُليْنُ جَانِبِكَ ، وَ تُطَيِّبُ كَلَامَكَ ، وَ تُلْقِي أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ»^{۱۰۰} حُسن خلق این است که نرمخو و مهربان باشی ، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.

حسن خلق، تاثیر مستقیمی در پایداری ارتباطات میان فردی دارد. این اثر مستقیم در لسان روایات مکرر بیان شده است. امام علی (ع) در بیانات گهر بار خود حسن خلق را، عاملی برای ایجاد انس و الفت میان انسان ها بیان کرده اند. ایشان می فرمایند: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ يُدِرُّ الْأَرْزَاقَ ، وَ يُؤْنِسُ الرَّفَاقَ»^{۱۰۱} اخلاق نیکو روزیها را زیاد می کند و میان دوستان انس و اَلَفت پدید می آورد .

و در جای دیگر حسن خلق را مایه ازدیاد محبت و انس و الفت گرفتن دیگران می شود. ایشان می فرمایند: « مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ كَثُرَ مَحَبُّوهُ ، وَ أُنِسَتْ النَّفُوسُ بِهِ »^{۱۰۲} که خوی نیک داشته باشد، دوستانش زیاد شوند و دلها به او انس و الفت گیرند. در جای دیگر پیامبر اکرم ۹ ، حسن خلق را مایه تثبیت ارتباط و مودت ها می دانند: « حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ »^{۱۰۳} حُسنِ خُلُقِ، رشته دوستی را استوار می کند . همانطور که حسن خلق عاملی برای دوام دوستی هاست، بدخلقی که نقطه مقابل آن است، عاملی برای جدایی ها و قطع ارتباطات و مانعی برای پایداری و دوام ارتباط میان فردی است. امام علی (ع) می فرمایند: « سُوءُ الْخُلُقِ يُوحِشُ النَّفْسَ ، وَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ »^{۱۰۴} بد خویی، انسان را تنها می کند و الفت و دوستی را از بین می برد .

سوء خلق می تواند در قالب رفتاری سرد و خشن و به دور از نرمی و ملامت نیز بروز پیدا کند که این مصداق، در لسان روایت با عبارت جفا^{۱۰۵} بیان شده است و از این رفتار که قطع کننده ارتباط است و ایجاد تنفر می کند، پرهیز داده شده است. امام علی (ع) می فرمایند: « إِيَّاكَ وَ الْجَفَاءَ ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْإِحَاءَ ، وَ يُمَقِّتُ إِلَى اللَّهِ وَ النَّاسِ »^{۱۰۶} از رفتار درشت و برخورد سرد بپرهیز که برادری را از میان می برد و موجب تنفر خدا و مردمان می شود.

در اصل باید با توجه به شناختی که از مخاطب داریم، نوع رفتارهایمان را نیز دسته بندی کنیم. به این صورت که پایه ای از حسن خلق را نسبت به همگان داشته باشیم و به تعبیر قرآن « وَ لَأَ تَصْعَرَ خَدَاكَ لِلنَّاسِ »^{۱۰۷} ، از برخورد سرد و درشت با دیگران بپرهیزیم و از طرفی، صبوری در رفتار دیگران را نیز داشته باشیم. چرا که حسن خلق داشتن نسبت به همه مردم مستلزم داشتن روحیه تحمل و صبر نسبت به رفتارهای دیگران است. این ویژگی از دیگر عناصر پایداری ارتباط میان فردی است . با توجه به ظرفیت های مخاطب، رفتار ما می تواند تضمین کننده دوام یک ارتباط باشد.

۱۴. گذشت از لغزش ها

با توجه به اینکه در هر ارتباطی، پدیده های نوظهوری مشاهده می شود که نیاز به عکس العمل ما دارد؛ زمانی که قرار است ارتباط را دائم و پایدار نگه داریم، این عکس العمل نیازمند هوشمندی و آینده نگری نسبت به این مسئله است. این هوشمندی در چند جا بروز بسیار دارد که همین مکان هاست که نقطه عطف و تعیین کننده دوام یا قطع ارتباط است. زمانی که از دیگران اشتباه و لغزشی را مشاهده می کنیم، با شرایطی، باید از این لغزش و اشتباه گذشت تا بتوان رابطه پایدار را که مبتنی بر اندیشه ترکیبی و پرهیز از رفتارهای آنی بود، حفظ و دوام بخشید. تفاوت این مسئله با عنصر اهل حلم و صبوری که نقش مهمی در پایداری ارتباط میان

فردی ایفا می کند، این است که نسبت به لغزش ها و خطاها گذشت لازم است در حالی که در مورد حلم و صبوری، چنانچه بیان شد، نسبت به مؤونات و هر سختی ای که این ارتباط با خود به همراه دارد صبوری می شود. پیامبر اکرم ۹ نقش عفو و گذشت را در ارتباط میان فردی اینگونه می فرماید: « تَعَاَفُوا تَسْقُطِ الضَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ »^{۱۰۸} از یکدیگر گذشت کنید تا کینه های میان شما از بین برود.

همچنین ایشان - در توصیف مؤمن - می فرمایند: « لَطِيفٌ عَلَىٰ أَخِيهِ بِرَلَّتِهِ ، وَ يَرعى مَا مَضَىٰ مِنْ قَدِيمِ صُخْبَتِهِ »^{۱۰۹} با وجود لغزش برادرش، با او به مهربانی رفتار می کند، و حرمت دوستی دیرینش را نگه می دارد. حرمت دوستی و حفظ دوستی، از لغزش های دیگران مهم تر است فلذا از ویژگی های مومن، لطافت در برخورد با کسی است که خطایی از او سر زده است. هر کس، عیبی دارد. انسان بی عیب یافت نمی شود. رفتاری که باعث پایداری ارتباط میان فردی می شود، گذشت در مقابل عیوب و خطاهای دیگران است. امام صادق (ع) می فرماید: « مَنْ لَمْ يُؤَاجِحِ إِلَّا مَنْ لَا عَيْبَ فِيهِ قَلَّ صَدِيقُهُ »^{۱۱۰} کسی که تنها با آن که هیچ عیبی ندارد برادری کند دوستان اندکی خواهد داشت. و حتی این بیان در کلام امیرالمومنین (ع) به صورت مصداقی بیان شده که اگر کسی بخواهد به خاطر هر خطایی، از دوستانش کناره بگیرد و دوستی هایش را کنار بگذارد، دوستان اندکی برایش باقی می مانند. ایشان می فرمایند: « مَنْ جَانَبَ الْإِخْوَانَ عَلَىٰ كُلِّ ذَنْبٍ قَلَّ أَصْدِقَاؤُهُ »^{۱۱۱} هر کس به خاطر هر خطایی از برادران کناره گیرد، دوستانش کاهش می یابند.

به بیان دیگر، پیامبر اکرم ۹، نه تنها گذشت نکردن را موجب کاهش دوستان می دانند بلکه عاملی برای افزایش دشمنان نیز می دانند. ایشان ۹ می فرمایند: « مَنْ عَاتَبَ صَدِيقَهُ عَلَىٰ كُلِّ ذَنْبٍ كَثُرَ عَدُوُّهُ »^{۱۱۲} هر کس دوستش را بر هر گناهی نکوهش و سرزنش کند دشمنانش زیاد شوند و هر کس این گذشت را نداشته باشد، باعث ایجاد کینه و دشمنی بین خود و دیگران می شود و تنها می میرد. این بیان را امیرالمومنین علی (ع) اینگونه فرمودند: « مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ زَلَّ الصَّدِيقِ مَاتَ وَحِيدًا »^{۱۱۳} کسی که لغزشهای دوست را تحمل نکند [به تدریج از آنها می بُرد و] آنها می میرد.

۱۵. پوشاندن عیب

از دیگر عناصری که ارتباطات میان فردی را حفظ و دوام می بخشد، عیب پوشی است. وجه تفاوت این مسئله با گذشت از خطاهای دیگران این نکته است که ممکن است انسان عیبی داشته باشد اما این عیب او، خطا و لغزش نباشد. عیب جدای از لغزش و خطا است. تعریف عیب در روایتی از پیامبر اکرم ۹ بیان شده است و فقها نیز از همین روایت برای مسئله بیع استفاده می کنند. ایشان ۹ می فرمایند: « كُلُّ مَا كَانَ فِي أَصْلِ الْخَلْقَةِ فَرَادًا أَوْ نَقْصًا فَهُوَ عَيْبٌ »^{۱۱۴} هر چیزی که در اصل خلقت وجود داشته باشد، کم یا زیاد بودن آن عیب است

پوشاندن عیب دیگران، چه عیب و نقص در خلقت و یا در اخلاق و رفتارها، از بهترین رفتارهایی است که بین مومنین باید رواج داشته باشد. یکی از عللی که سفارش به پوشاندن عیوب مردم شده است، این است که شاید در این بین، این عیب برطرف شده باشد. چنانچه امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «یا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عَيْبِ أَحَدٍ (عَبْدٍ) بِذَنْبِهِ، فَلَعَلَّهُ مَغْفُورٌ لَهُ، وَ لَا تَأْمَنْ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرَ مَعْصِيَةٍ، فَلَعَلَّكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ»^{۱۱۵} ای بنده خدا! در عیبجویی هیچ کس به خاطر گناهش، شتاب مکن؛ زیرا ممکن است آمرزیده شده باشد. ولی در مورد خودت، از گناه کوچکی هم که کرده ای ایمن مباش؛ چرا که شاید برای همان گناه عذاب شوی.

نکته ای که حائز اهمیت است، جا و مکانی است که عیب پوشی در آن صورت می‌گیرد. این عیب پوشی در برابر دیگران باید صورت بگیرد. چه اینکه از ویژگی های دشمنان این است که عیوب انسان را فاش می‌سازند. از چنین کسی باید برحذر بود زیرا نفع و رشدی در دوستی با او نیست. امام علی (ع) می‌فرمایند: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْعَدُوُّ عَدُوًّا لِأَنَّهُ يَعْدُو عَلَيْكَ، فَمَنْ دَاهَنَكَ فِي مَعَايِبِكَ فَهُوَ الْعَدُوُّ الْعَادِي عَلَيْكَ»^{۱۱۶} عدو (دشمن) را به این سبب عدو گفته اند که به تو تعدی می‌کند. پس هر که در عیبهایت با تو مسامحه کند (آنها را نگویند، تا در صد دفعشان برآیی) عدو تعدی کننده به توست.

کسی که عیب پوش دیگران نباشد و از عیوب دیگران تتبع و جستجو کند، از محبت مردم محروم خواهد شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ تَتَبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَمَهُ اللَّهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ»^{۱۱۷} هر که از عیبهای پنهانی [مردم] جستجو کند، خداوند او را از دوستی دلها محروم گرداند. چنین کسی، حد و مرز دوستی را رعایت نکرده و شایستگی دوستی و مودت و داشتن ارتباطی دائمی را ندارد.

۱۶. عذر تراشی و پذیرفتن عذر

یکی دیگر از عناصری که باعث دوام ارتباطات میان فردی می‌شود، پذیرفتن عذر دیگران است و حتی در صورت دیدن خطاف عذر تراشی برای خطای دیگران است. امام علی (ع) در سفارش به محمد بن حنفیه - فرمودند: «لَا تَصْرِمُ أَخَاكَ عَلَى ارْتِيَابٍ، وَ لَا تَقْطَعُهُ دُونَ اسْتِعْتَابٍ، لَعَلَّ لَهُ عُذْرًا وَ أَنْتَ تَلُومُ بِهِ، إِقْبَلْ مِنْ مُتَنَصِّلٍ عُذْرًا، صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا فَتَنَالَكَ الشَّفَاعَةُ»^{۱۱۸} به صرف شک و تردید، از برادرت مبر و بدون آن که از او بخواهی رضایت تو را به دست آورد، با وی قطع رابطه مکن؛ ممکن است عذری داشته باشد و تو [بی جهت] او را سرزنش کنی. عذرخواهی معذرت خواه را، چه راست بگوید یا دروغ، بپذیر تا شفاعت شامل حال تو بشود.

تاثیر این رفتار بر روابط میان فردی، جلب دوستی و محبت مردمان است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «إِقْبَلْ أَعْدَارَ النَّاسِ تَسْتَمْتِعْ بِإِخَائِهِمْ، وَ الْقَهْمُ بِالْبِشْرِ تُمِتْ أَعْضَانَهُمْ»^{۱۱۹} عذر خواهی های مردم را بپذیر تا از برادری آنان بهره مند شوی، و با روی گشاده دیدارشان کن تا کینه هایشان بمیرد.

اگرچه که این مسئله، به ظاهر کوچک به نظر می آید اما از عمق بالایی در رفتارهای انسان برخوردار است. تاثیر پذیرفتن عذر، هم بر کسی است که عذری داشته و هم بر فردی که عذر می پذیرد. تا به این حد که حتی سفارش به عذرتراشی هم شده است. و این نشان از اهمیت این مسئله در نفوس مومنین و ارتباطات میان فردیشان دارد. پیامبر اکرم ۹ می فرماید: « أَطْلُبُ لِأَخِيكَ عُذْرًا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا »^{۱۲۰} برای گفتار و کرداری که از برادرت سر می زند، عذری بجوی و اگر نیافتی، عذری بتراش.

۱۷. حسن ظن

از دیگر عناصری که در پایداری ارتباطات میان فردی بسیار حائز اهمیت است، داشتن حسن ظن نسبت به یکدیگر است. این مورد نیز مانند موارد قبل، تاثیر مستقیم بر ارتباطات میان فردی دارد به گونه‌ای که اگر در ارتباطاتش سوءظن بر او غالب شود، ارتباط را بر هم می زند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: « مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَتْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحًا »^{۱۲۱} هر که بدگمانی بر او چیره شود، جای آشتی با هیچ دوستی باقی نگذارد

این بیان در روایت دیگری، با تعبیری متفاوت نقل شده است. در آن جا حضرت می‌فرماید: « لَا يَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سُوءُ الظَّنِّ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدَعُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ صَدِيقٍ صَفْحًا »^{۱۲۲} زنهار که بدگمانی هرگز بر وجود تو چیره نشود؛ زیرا جایی برای دوستی تو با کسی باقی نمی گذارد.

ایشان مومنین را از داشتن سوءظن نهی فرموده اند و علت این نهی را این طور بیان می کنند که با داشتن سوء ظن، جایی بین دو طرف، برای دوستی باقی نمی ماند. گاهی خود انسان این سوء ظن را نسبت به دیگران دارد و گاهی هم این سوءظن توسط دیگری در انسان ایجاد می شود. این مسئله را فرد سخن چین ایجاد می کند. به همین خاطر است که امیرالمؤمنین علی (ع)، اطاعت از سخن چین در حرفی که زده است را مساوی با از دست دادن دوست و ارتباط دوستی بیان می کنند. ایشان می‌فرماید: « مَنْ أَطَاعَ الوَاشِيَّ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ »^{۱۲۳} هر کس گوش به حرف سخن چین سپارد، دوست را از دست بدهد.

گمان نیک بردن به دیگران، علاوه بر اینکه موجبات پایداری ارتباط را فراهم می کند و برهم زننده ارتباط را دفع می کند، دو فایده مهم را برای فردی که به دیگران گمان نیکو دارد، به همراه می آورد. یک فایده این است که حسن ظن او باعث می شود که او در آرامش روان و آرامش خاطر به سر ببرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: « خُذْ مِنْ حَسَنِ الظَّنِّ بِطَرْفِ تَرَوُّحٍ بِهِ قَلْبِكَ وَ يَرُوحُ بِهِ أَمْرُكَ »^{۱۲۴} از خوش بین بودن بهره ای برگیر، تا با آن دلت را آرام کنی و کارت پیش رود.

و دیگری اینکه محبت دیگران را با این کار خود، به سمت خود جذب می‌کند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: « مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ »^{۱۲۵} هر که به مردم گمان نیک برد ، محبت آنان را به دست آورد.

به خاطر همین تأثیرات عمیق و مثبتی که این ویژگی در ارتباطات میان فردی مؤمنین بازی دارد، سفارشات اهل بیت عصمت و طهارت بر حسن ظن داشتن و یافتن مهملی نیکو برای رفتارهای دیگران تعلق گرفته است.

بقاء بالله

هر موجودی و هر چیزی بالله ، باقی خواهد بود. بدین معنا که به واسطه خواست و قدرت الهی ، هر موجودی و یا هر چیزی می تواند این ویژگی را داشته باشد که بر اثر مرور زمان و اتفاقات پیش آمده ، زایل نشود و ثبات و بقاء خود را بواسطه خداوند حفظ کند. در این جا دو نکته مطرح است. یک اینکه این بقاء، بواسطه قدرت الهی ایجاد می شود. دوم اینکه این بقاء به خاطر متصف شدن به منبع لایزال الهی ، ایجاد می شود. تفاوت این دو در تعبیر « بالله » و « فی الله » برای اهل فن و نکته سنج پوشیده نیست. این مطلب، نه تنها در خلق و ایجاد و بقاء موجودات و دیگر مسائل مطرح می شود، بلکه در حفظ ایمان و تقوا و اخلاق و اعتقادات و حتی مسائل اجتماعی و ارتباطات نیز مطرح می‌شود.

عامل اصلی و مهم در پایدار شدن ارتباطات میان فردی، بناء ارتباط «فی الله» است. در روایات به این نکته بسیار تأکید شده است که حب و بغض هایتان فی الله باشد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: « مَنْ لَمْ تَكُنْ مَوَدَّتُهُ فِي اللَّهِ فَاحْذَرُهُ؛ فَإِنَّ مَوَدَّتَهُ لَكَيْمَةٌ، وَصُحْبَتَهُ مَشُومَةٌ »^{۱۲۶} از کسی که دوستی اش برای خدا نیست بپرهیز؛ زیرا دوستی او پستی است وهمنشینی با او شوم.

خداوند عزّ و جلّ به واسطه علم و قدرتی که دارد و با توجه به اینکه همه ی امور در دست قدرت اوست، قادر است ارتباطی را بر هم زند و یا دائمی کند. این، به معنای جبر و عدم اختیار نیست. بلکه یک قاعده منطقی و عقلی است که انسان به واسطه اتصال صحیح خود به منبع کمال، واجد کمال خواهد شد. و خداوند موجودی نامحدود است. تا بوده و هست هم خواهد بود. انسان‌ها نیز جاودانه طلب هستند. علما اخلاق و حکما این نکته را بیان می‌کنند که برای جاودانه و باقی شدن، انسان باید الهی شود تا این ویژگی الهی، در او نیز بروز و ظهور داشته باشد.

در بحث پایداری ارتباط، مسئله مهم، پایدار و دائمی بودن حضور الهی است. چون خداوند باقی است، ارتباطاتی که متصل به این منبع باقی می شود نیز، دائمی و باقی خواهند بود. قرآن کریم می فرماید: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ . وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»^{۱۲۷} همه کسانی که روی آن [زمین] هستند فانی می شوند، و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند!

امام علی (ع) علت دوام ارتباطاتی که برای خدا باشد را دوام علت آن، که پروردگار متعال است، بیان می کند: «الإخوانُ في اللهِ تعالى تَدْوَمُ مَوَدَّتُهُمْ ، لِدَوَامِ سَبَبِهَا»^{۱۲۸} کسانی که برای خدا برادری ورزند دوستی - شان می پاید؛ چون سبب آن دوستی پایدار است. این مبنا، روح کلی و حاکم بر عموم ارتباطات ما باید باشد تا ارتباطات ما دائمی و پایدار بماند.

نتیجه گیری:

در این تحقیق به دنبال یافتن عناصر پایداری ارتباطات میان فردی از منظر آیات و روایات بودیم که به هفده عامل اصلی که شامل گزینش دوست، آزمایش دوست، ادای حقوق متقابل، اهل حلم و صبر، کنترل کلام، رعایت انصاف، سودمند و مفید بودن، حفظ و رعایت حریم، محبت قلبی، اعلام محبت، درک محبت، اهل احسان بودن، حسن خلق، گذشت از لغزش ها، پوشاندن عیب، عذر تراشی و پذیرفتن عذر، حسن ظن می شود رسیدیم.

این نکته را نباید فراموش کنیم که رعایت تک تک این عوامل در کنار یکدیگر، اثر عمیق خود را بر پایداری ارتباطات میان فردی می تواند بگذارد و به صورت مجموعه ای منسجم و نظام مند، ارتباطات میان فردی را تحت حمایت خود نگه دارد و تمام این نظام نیز، زمانی پایدار و پابرجا خواهند ماند که حلقه وصل ارتباطیشان را با عنصر اصلی و باقی حفظ کنند و تنها باقی، خداست.

اگر انسان می خواهد بواسطه رعایت این عناصر هفده گانه، دارای ارتباطاتی پایدار و دائمی و تضمین کننده باشد، بایستی رابطه و ارتباطش را به صورت دائمی، با مبدا هستی بخش و باقی، حفظ کرده تا به واسطه آن، دیگر ارتباطاتش نیز تضمین دوام را داشته باشد.

فهرست منابع:

۱. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد، ۱۰ جلد، چاپ اول، قم، انتشارات آيت الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ ق
۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق
۳. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة مجموعه كلمات قصار حضرت رسول ۹، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش
۴. ابي جعفر محمد بن علی (شيخ صدوق)، الخصال، ۲ جلد، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
۵. _____، من لا يحضره الفقيه، ۴ جلد، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق
۶. _____، معانی الأخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش
۷. اون هارجی؛ کریستین ساندرز؛ دیوید دیکسون، مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت - خشایار بیگی، انتشارات رشد، تهران، چاپ چهاردهم، زمستان، ۱۳۸۶ ش
۸. حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ۲ جلد، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق
۹. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۶ ش
۱۰. حسن مصطفوی، التحقيق فی كلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش
۱۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق
۱۲. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، دوره دو جلدی، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷ ش
۱۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش
۱۴. شیخ کلینی، الکافی، دوره ۵ جلدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ ش
۱۵. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش
۱۶. فضل بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۵ ق
۱۷. قادر بستانی، اصول و تکنیک های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، چاپ دوم، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۶ ش
۱۸. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۴۲ جلد، چاپ مکرر، تهران، انتشارات اسلامیه
۱۹. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ۱ جلد، دار الثقافة قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق
۲۰. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإختصاص، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۰ ش
۲۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دوره ۱۵ جلدی، چاپ هفتم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۶ ش

۲۲. ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ۲ جلد، چاپ اول، قم، مکتبه فقیه، [بی تا]

۱. فرهنگ ابجدی، ذیل واژه عنصر، فرهنگ عمید، ذیل همین واژه، ص ۱۴۵۶
۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۶، ذیل واژه پایدار و پاینده، ص ۴۳۶ و ۴۳۵، ذیل واژه پایدار و پاینده، ص ۴۳۶ و ۴۳۵
۳. العین، ذیل واژه بقی، ج ۵، ص ۲۳۰؛ حسن مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ذیل همین واژه، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۱۹.
۴. فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۹.
۵. قادر بستانی، اصول و تکنیک های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم، ص ۱۴، ص ۱۴.
۶. همان، ص ۱۵.
۷. اون هارگی؛ کریستین ساندرز؛ دیوید دیکسون، ترجمه مهرداد فیروزبخت - خشایار بیگی، مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، انتشارات رشد، تهران، چاپ چهاردهم، زمستان، ۱۳۸۶، ص ۲۱.
۸. Claude Schannon and Warren Weaver.
۹. همان، ص ۲۵.
۱۰. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۴۲ جلد، چاپ مکرر، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۷۱، ص ۱۹۰.
۱۱. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ص ۷۳؛ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دوره ۱۵ جلدی، چاپ هفتم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۱۵؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «مَوْذَةُ الْعَوَامِ تَنْقَطِعُ كَانْقِطَاعِ السَّحَابِ، وَتَنْقَشُ كَمَا يَنْقَشُ السَّرَابُ» دوستی عوام مانند ابر، از هم گسیخته می شود و همچون سراب محو می گردد.
۱۲. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۳؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۱۵؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «مَوْذَةُ الْجَهَالِ مُتَغَيِّرَةٌ الْأَحْوَالِ وَشَبِيكَةُ الْاِئْتِقَالِ» دوستی نادانان تغییر می پذیرد و زود رخت بر می بندد.
۱۳. شیخ کلینی، الکافی، دوره ۵ جلدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۶۳۹؛ امام صادق (ع) می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُوَاخِيَ الْفَاجِرَ وَ لَا الْأَخْمَقَ وَ لَا الْكُذَّابَ» شایسته نیست برای مرد مسلمان که با شخص تبهکار و احمق و دروغگو رفاقت کند
۱۴. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۱؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «أَسْرَعُ الْمَوَدَّاتِ انْقِطَاعاً مَوَدَّاتُ الْأَشْرَارِ» رشته دوستیهای بدکاران زودتر از هر دوستی دیگری از هم می گسلد.
۱۵. ابی جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ۲ جلد، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۴۴؛ امام باقر (ع) می فرماید: «لَا تُقَارِنُ وَ لَا تُوَاجِ أَرْبَعَةً... وَ أَمَّا الْجَبَانُ فَإِنَّهُ يَهْرُبُ عَنْكَ وَ عَنِ وَالِدَيْهِ...» به چهار کس نزدیک مشو و با آنها برادری مکن، ... و ترسو ... ترسو در موقع نیاز از تو و از پدر و مادر خود میگریزد ...
۱۶. همان، ج ۱، ص ۲۴۴؛ امام باقر (ع) می فرماید: «لَا تُقَارِنُ وَ لَا تُوَاجِ أَرْبَعَةً... وَ الْكُذَّابَ... وَ أَمَّا الْكُذَّابُ فَإِنَّهُ يَصْدُقُ وَ لَا يُصَدَّقُ» به چهار کس نزدیک مشو و با آنها برادری مکن، ... و دروغگو، ... و دروغگو گاه هم که راست می گوید نتوان باور کرد.
۱۷. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۱، ص ۲۸۱؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «لِكُلِّ إِخَاءٍ مُنْقَطِعٌ، إِلَّا إِخَاءَ كَانِ عَلَى غَيْرِ الطَّمَعِ» همه برادریها از هم می گسلد به جز آن برادری که بر پایه طمع استوار نباشد.
۱۸. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۷.
۱۹. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإختصاص، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۶۶؛ پیامبر اکرم ۹ می فرماید: «اخْتَبِرُوا النَّاسَ فَإِنَّ الرَّجُلَ يُجَادِبُ مَنْ يُعِجِبُهُ» مردم را بیازمایید، زیرا انسان از نظر اخلاقی و عملی مجذوب کسی می شود که از او خوشش می آید.
۲۰. همان، ص ۳۶۶؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَصَادِقَ رَجُلًا فَانظُرْ مِنْ عَدُوهِ» هرگاه خواستی با کسی دوستی کنی، ببین دشمنش کیست.
۲۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱؛ امام صادق (ع) می فرماید: «اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَلَّتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَ إِلَّا فَأَعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ مُحَافِظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيَتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي السُّرْرِ وَ الْيُسْرِ»
۲۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج (ع) ۵، ص ۱۰؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «لَا يُعْرِفُ النَّاسُ إِلَّا بِالْاِخْتِبَارِ- فَاخْتَبِرْ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ فِي غَيْبَتِكَ- وَ صَدِيقَكَ فِي مُصِيبَتِكَ- وَ ذَا الْقَرَابَةِ عِنْدَ فَاقَتِكَ- وَ ذَا التَّوَدُّدِ وَ الْمَلَقِ عِنْدَ عَطَلَتِكَ- لِيَتَعَلَّمَ بِذَلِكَ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَهُمْ»
۲۳. همان، ج ۷۵، ص ۲۳۵؛ امام صادق (ع) می فرماید: «يَمْتَحِنُ الصَّدِيقُ بِلِقَائِهِ خِصَالِ فَإِنْ كَانَ مُؤَاتِبًا فَهُوَ الصَّدِيقُ الْمُصَافِي وَ إِلَّا كَانَ صَدِيقَ رَخَاءٍ لَا صَدِيقَ شِدَّةٍ تَبْتَغِي مِنْهُ مَالًا أَوْ تَأْمَنُهُ عَلَى مَالٍ أَوْ تُشَارِكُهُ فِي مَكْرُوهِ».

۲۴. عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ۱۰جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۲۵ :
- امیرالمؤمنین علی ۷ می فرماید: «إذا أردت أن تصادق رجلاً فأغضبه فإن أنصفك في غضبه و إلا فدعه» هرگاه خواستی با کسی دوستی کنی، او را خشمگین کن. پس اگر در حال خشم نیز با انصاف با تو رفتار کرد، با او دوستی کن وگرنه رهایش ساز.
۲۵. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ۱جلد، دار الثقافة قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۶۴۶: امام صادق (ع) می فرماید: «لَا تُسَمِّ الرَّجُلَ صَدِيقًا سِمْهَ مَعْرِفَةٍ حَتَّى تَخْتَبِرَهُ بِثَلَاثِ: تُغْضِبُهُ فَيَنْظُرُ غَضْبَهُ يُخْرِجُهُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ، وَ عِنْدَ الدُّيَانِ وَ الدَّرْهَمِ، وَ حَتَّى تُسَافِرَ مَعَهُ»
۲۶. باقرساروخانی، جامعه شناسی ارتباطات، ص ۸.
۲۷. المؤمنون/۹۶
۲۸. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۸.
۲۹. باقرساروخانی، جامعه شناسی ارتباطات، ص ۸.
۳۰. سید رضی، نهج البلاغه، ۱جلد، هجرت، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۰۲
۳۱. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۶.
۳۲. که با توجه به اینکه ما در تقسیم بندی عناصر بر پایه اصول و مبانی، رازداری و حفظ اسرار مردم را بر مبنای حفظ کرامت انسانی، می دانیم، این مورد از عنوان کلی امانت داری را در آن مجال، بیان خواهیم کرد.
۳۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص ۱۹۰
۳۴. انفال/۳۷
۳۵. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۶۰.
۳۶. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم ۹، ۱جلد، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۳
۳۷. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۰
۳۸. المؤمنون/۸ و المعارج/۳۲: و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می کنند
۳۹. البقره/۱۷۷
۴۰. المائده/۱
۴۱. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۷
۴۲. سید رضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۶
۴۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶ ص ۲۰۴ به نقل از قصص الأنبياء ص ۱۹۵.
۴۴. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۴۸
۴۵. زمر/۳۳: وَ الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَ صَدَّقَ بِهِ . مراد از صدق خبر راست است. ر.ک: سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص: ۱۱۶
۴۶. اسراء/۸۰: وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ. این راستی در عمل است. ر.ک: سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۱۶
۴۷. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۷. ترجمه: برترین گفتارها راستی است یعنی سخن راست.
۴۸. همان. ترجمه: هرگاه دوست دارد خدا بنده را در دل او اندازد راستی را یعنی راستی در گفتار و کردار را
۴۹. امام عسکری (ع)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)، ۱جلد، مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۲
۵۰. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۳۴: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ نُوحٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَزُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا وَاللَّهِ أَجُيكَ فَقَالَ لَهُ يَا حَارِثُ أَمَا إِذَا أَحْبَبْتَنِي فَلَا تُخَاصِمْنِي وَ لَا تُنَافِئْنِي وَ لَا تُجَارِبْنِي وَ لَا تُمَازِحْنِي وَ لَا تُوَاضِعْنِي وَ لَا تُرَافِعْنِي
۵۱. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۲؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص ۲۲۹: و نیز امام صادق (ع) می فرماید: الاستقصاء فرقة، الانتقاد عداوة؛ باریک بینی و مو شکافی [نسبت به دوستان] مایه جدایی است، و خرده گیری، مایه دشمنی.
۵۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۴۵: « فالإنصاف عبارة عن رعاية العدالة و المساواة بين شخصين في تأدية ما لهما من الحقوق »
۵۳. نحل/۹۰
۵۴. نهج البلاغه: الحکمه ۲۳۱: الإمام علی (ع) - فی قوله تعالی: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»: الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ. امام علی (ع) - درباره آیه «خدا به عدالت و احسان فرمان می دهد» - فرمود: مقصود از عدالت، انصاف است و منظور از احسان، بخشش و تفضل.
۵۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.
۵۶. همان، ج ۷۴، ص ۶۹.
۵۷. شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۶۸.
۵۸. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۴.

٥٩. محمد محمدى رى شهرى، ميزان الحكمة ، ج ١، ص ٦٨: رسول الله ٩: إِنْ الْمُؤْمِنُ لَيْسَ كُنُفٌ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَكُنُّ قَلْبُ الظَّالِمِ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ.
٦٠. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٥، ص ١١٩.
٦١. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ٢٤٤.
٦٢. محمد محمدى رى شهرى، ميزان الحكمة ، ج ١، ص ٧٣: رسول الله ٩: مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ.
٦٣. الإسراء/٧٠.
٦٤. خسرو باقرى، نگاهی دوباره به تربيت اسلامى، دوره دو جلدی، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات مدرسه، ١٣٨٧، ج ١، ص ١٩١.
٦٥. الحجرات/١٣.
٦٦. الحج/١٨.
٦٧. حجرات/١٣.
٦٨. شيخ كلينى، الكافى، ج ٢، ص ٦٧١؛ علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٥، ص ١٩٠.
٦٩. شيخ صدوق، أمالى الصدوق، ص ٢٥٤؛ علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٦٥، ص ١٥٢.
٧٠. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٢، ص ٣٢١؛ ابن شعبه حرانى، تحف العقول عن آل الرسول ٩، ص ٨٨.
٧١. خسرو باقرى، نگاهی دوباره به تربيت اسلامى، ج ١، ص ٢٢٦.
٧٢. بقره/١٦٥.
٧٣. همان.
٧٤. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٤، ص ٤١٦.
٧٥. عبد الواحد تميمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ٤٢٥.
٧٦. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ١٨٧.
٧٧. خسرو باقرى، نگاهی دوباره به تربيت اسلامى، ج ١، ص ٢٣٠.
٧٨. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ١٨٢.
٧٩. عبد الواحد تميمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ٤١٣.
٨٠. همان، ص ٤١٤.
٨١. شيخ كلينى، الكافى، ج ٢، ص ١٨٦.
٨٢. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ٣٥٥.
٨٣. شيخ كلينى، الكافى، ج ٢، ص ٦٧٠.
٨٤. شيخ صدوق، الخصال، ج ١، ص ٢٧.
٨٥. فضل بن حسن طبرسى، مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف، انتشارات حيدريه، ١٣٨٥، ق، ص ٢١٩.
٨٦. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٤، ص ١٦٨.
٨٧. همان، ج ٤٦، ص ٢٩١.
٨٨. همان، ج ٦٦، ص ٢٤٧؛ شيخ كلينى، الكافى، ج ٢، ص ١٢٧.
٨٩. حسين بن محمد رابع اصفهانى، المفردات فى غريب القرآن، چاپ اول، دمشق بيروت، دارالعلم الدار الشاميه، ١٤١٢، ق، ص ٢٣٧؛ و الإحسان يقال على وجهين: أحدهما: الإِنْعَامُ عَلَى الْغَيْرِ، يُقَالُ: أَحْسَنَ إِلَى فُلَانٍ. وَ الثَّانِي: إِحْسَانٌ فِي فِعْلِهِ، وَ ذَلِكَ إِذَا عَلِمَ عِلْمًا حَسَنًا، أَوْ عَمِلَ عَمَلًا حَسَنًا.
٩٠. السجده/٧.
٩١. الكهف/٣٠.
٩٢. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٨، ص ٣٣٣.
٩٣. عبد الواحد تميمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ج ٢٠٣١ و ٢٠٣٢.
٩٤. همان، ص ٣٨٦.
٩٥. همان، ص ٣٨٦.
٩٦. علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٤، ص ١٤٢.
٩٧. عبد الواحد تميمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ٣٨٥.
٩٨. ورام ابن ابى فراس، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، ٢ جلد، مكتبة فقيه، قم، چاپ اول، ج ١، ص ٨٩.
٩٩. ورام ابن ابى فراس، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ٩: جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صِلَةً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عِبَادِهِ، فَحَسَبُ أَخْدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَكَ بِخُلُقِي مُتَّصِلٌ بِاللَّهِ.
١٠٠. ابى جعفر محمد بن على (شيخ صدوق)، معانى الأخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٣٦١، ش، ص ٢٥٣.

- ١٠١ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٢٥٥.
- ١٠٢ . همان، ص ٢٥٤.
- ١٠٣ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧٤، ص ١٥٠.
- ١٠٤ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٢٤٤.
- ١٠٥ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ٢٠٦ : كأن المراد بالجفاء البعد عن الآداب الحسنه و يطلق في الأخبار على هذا المعنى كثيرا و هو الأنسب هنا و يمكن أن يكون المراد به أنه يوجب غلظ الطبع و ترك الصلوة و البر قال في النهاية الجفاء البعد عن الشيء و ترك الصلوة و البر و منه الحديث من بدأ جفا أى من سكن البادية غلظ طبعه لقله مخالطة الناس و الجفاء غلظ الطبع و قسوة أى توجب القسوة . گوید: بسا که مقصود از جفا دوری از آداب نیک است، و در اخبار بسیار باین معنا آمده و اینجا هم مناسب است، و میتواند که مقصود سرسختی و ترک صله و نیکی باشد و بتفسیر نهاییه: جفا دوری کردن و ترک صله و نیکی است و از این معنا است حدیث من بدأ جفا: هر که بیابانی شد سر سخت می شود چون کم با مردم آمیزش دارد.
- ١٠٦ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٢٢٤.
- ١٠٧ . لقمان/ ١٨
- ١٠٨ . ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة مجموعه كلمات قصار حضرت رسول ٩، ص ٣٨٥.
- ١٠٩ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٤٢، ص ٣١١
- ١١٠ . همان، ج ٧٥، ص ٢٧٨
- ١١١ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٤٢٢.
- ١١٢ . حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ٢، چاپ اول، قم، شریف رضی، ١٤١٢ ق، ج ١، ص ١٨٦.
- ١١٣ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٤٢٠.
- ١١٤ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٢، ص ٢٧٥
- ١١٥ . سید رضی، نهج البلاغه، الخطبة ١٤٠. ص ١٩٧.
- ١١٦ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٤٦١.
- ١١٧ . همان، ص ٤٢١.
- ١١٨ . ابی جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، ج ٤، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٤٠٤ ق، ج ٤، ص ٣٩١.
- ١١٩ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٤٤٧.
- ١٢٠ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ١٠، ص ١٠٠.
- ١٢١ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٢٤٤.
- ١٢٢ . شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٥.
- ١٢٣ . علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٧١، ص ١٦٤.
- ١٢٤ . همان، ج ٧٥، ص ٢٠٩.
- ١٢٥ . عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ٢٥٣.
- ١٢٦ . همان، ج ٨٩٧٨
- ١٢٧ . الرحمن/ ٢٦ و ٢٧
- ١٢٨ . همان، ج ١٧٩٥